چون مرگ

مرگ زن بوشهری در ۱۱۸سالگی

گروه حوادث: یکی از مسن‌ترین زنان جهان صبح دیروز در ۱۱۸ سالگی در بوشهر درگذشت. این زن که نازبس فروتن نام داشت در پی یک بیماری که از سه روز پیش به آن مبتلا شده بود در جمع فرزندان و نوه‌های خود در تنگ ارم در استان بوشهر فوت شد.

نازبس که یکی از مسن‌ترین زنان جهان بود ۸۲ فرزند، نوه، نتیجه و نبیره داشت و هیچ‌گاه بـه خاطر بیماری در بیمارستان بستری نشده و هیچ وقت از قرص، آمپول یا مواد شیمیایی استفاده نکرده بود. او در سال ۱۲۷۱ در روستای سوک از توابع تنگ ارم استان بوشهر به دنیا آمد و راز طول عمـرش را اعتقاد قلبـی به خداوند یکتـا و مصرف نکردن غذاهای صنعتی و شیمیایی می‌دانست. او از پروتئین گیاهی و حیوانی سـالم و تازه و همچنین از لبنیات تازه اسـتفاده می‌کرد. به گفته نزدیکان نازبس فروتن، او دوره پادشـاهان قاجار را به طور کامل به خاطر داشـت و بسیاری از حوادث تاریخـی آن دوران را نقل می‌کرد. این زن از قدرت بینایی بسـیار خوبی برخوردار بود و از لحاظ شنوایی و بویایی نیز در وضعیت مناسبی قرار داشت.

قطار به جای ایتالیا به سوئیس رفت

اشتباه کارکنان راه‌آهن فرانسه باعث شد مسافران قطار اسـپانیایی به جای رسـیدن به ایتالیا، وارد سوئیس شوند. این قطار که از مادرید حرکت کرده بود و قصد داشت وارد میلان شـود با اشـتباه کارکنان راه‌آهن فرانسه در تعویض برخـی از واگن‌های قطار به زوریخ رسـید. به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از پایگاه خبری المحیط، این قطار پس از آنکه در ایسـتگاه شهر لیون فرانسه متوقف شد برخی از کارکنان راه‌آهن چندین واگن آن را جدا کردند اما در زمان اتصال واگن‌ها، به جای وصل کردن آنها به واگن اصلی قطار اسـپانیایی، به اشتباه این واگن‌ها را به قطاری وصل کردند که مقصد آن زوریخ بود. این اشتباه سبب شد واگن‌هایی از یک قطار دیگر که به مقصد زوریخ حرکت می‌کرد به قطاری وصل شود که مقصدش میلان ایتالیا بود.

کشف پاروی هفت هزار ساله

باستان‌شناسانی که در جنوب شرق پایتخت کره جنوبی سـرگرم کنـد و کاو بودند، قدیمی‌ترین پاروی این کشـور را کشـف کردند. به گزارش ایسـکانیوز قدمت پاروی عصر حجری که در منطقه باستانی چانگنیونگ - ۲۴۰ کیلومتری جنوب شرق سـئول - کشف شده هفت هزار سال تخمین زده می‌شـود. این پاروی ۱/۸۱ متری که زیر گل مانده بود همچنان سـالم اسـت و قرار شده در موزه ملی کره جنوبی نگهداری شود.

در پی نقض حکم تبرئه از سوی دیوان عالی کشور

زن متهم به شوهرکشی برای سومین بار محاکمه می‌شود

گروه حوادث: پرونده اتهام زنی که متهم است هفت سال قبل شوهرش را به قتل رسانده با نقض حکم تبرئه وی از سوی دیوان عالی کشـور یک بار دیگر به جریان افتاد. به گزارش خبرنگار ما، این زن به نام لیلا متهم است شوهرش غلامرضا را با زنجیر خفه کرده اسـت. متهـم تاکنون چندین بار در دادگاه محاکمه شـده است و مهم‌ترین دلیلی که برای اثبات مجرم بودن وی در پرونده‌اش وجود دارد شـهادت دخترش علیه او اسـت. این دختر در دادگاه شـهادت داد مادرش را هنگام به زنجیر کشـیدن و قتل پدرش دیده است. اظهارات این دختر باعث شد مادرش یک بار به قصاص محکوم شود اما در مرحله تجدیدنظرخواهی این حکم نقض و سپس وی تبرئه شد. پرونده مرگ شوهر لیلا هفت سال پیش در دادسرا مطرح شد. آن زمان لیلا با پلیس تماس گرفت و گفت شوهرش خود را به زنجیر کشیده و خودکشی کرده است. این زن در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: شوهرم دچار بیماری روحی بود و اعتیاد هم داشـت. او بارها خودکشـی کرده بود ولی ما هر دفعه او را نجات می‌دادیم اما شب حادثه چون من خواب بودم متوجه نشـدم شوهرم چه کرده و صبح که بیدار شدم دیدم او خود را به زنجیر کشیده است. بلافاصله به طبقه بالا جایی که خانه مادرشـوهرم بود رفتم و آنها را خبر کردم اما کار از کار گذشته بود. در این بین پدر و مادر متوفی از عروس‌شان شکایت و او را عامل قتل فرزندشان معرفی کردند. با توجه به این شکایت لیلا بازداشت اما قتل را منکر شد. او گفت: قبول دارم من و شـوهرم با هم اختلاف داشتیم ولی این اختلافات به خاطر اعتیاد غلامرضا و بدرفتاری‌های او بود. شـوهرم من را کتـک می‌زد. من چند بـار هم تقاضای طلاق کردم و بعد آشتی کردیم اما هیچ وقت اقدام به قتل نکردم. این زن درباره روز حادثه گفت: «صبح بیدار شدم تا دخترم را برای مدرسه رفتن آمـاده کنم کـه دیدم شوهرم خودش را با زنجیر از در انباری آویزان کرده اسـت. زنجیـر برای موتـورش بود و همیشه کلید آن را در جیبش می‌گذاشـت. وقتـی دیدم به زنجیر قفل زده است بلافاصله دست در جیبش کردم. کلید را درآوردم و قفل را باز کردم و شوهرم را پایین آوردم. بدنش گرم بود اما نفس نمی‌کشـید. بعد مادرشوهرم را خبر کردم و گفتـم چـه اتفاقـی افتاده اسـت. در حالی که لیلا قتل را منکر می‌شد مادرشوهرش مدعی شـد الهـه دختر لیلا دیده است که چطور غلامرضا به دسـت متهم کشـته شـد. به این ترتیب الهه که دختری هفت‌سـاله بود مورد بازجویی قرار گرفت و ادعا کرد مادرش بـا مردی رابطه دارد و بعد از اینکه مقداری داروی خواب‌آور از آن مـرد گرفت آن را در غذای پـدرش ریخت. این دختر گفت: «صبح من نیمه‌خواب بودم که متوجه شـدم مادرم در را باز کرد و مرد مورد علاقه‌اش به خانه آمد. آنها پدرم را به سـمت در انباری بردند و آنجا او را با زنجیر بسـتند و دارش زدند. گفته‌های این دختر از سوی مادرش رد شد. لیلا مدعی بـود از آنجایی کـه الهه تحت تاثیر خانواده پدری‌اش اسـت چنین حرف‌هایـی را می‌زند و این داسـتان سـاختگی است. با این حال به دسـتور بازپرس بررسی‌ها در این خصوص ادامه یافـت ولی مامـوران موفق به شناسایی مردی که الهه مدعی بـود با مـادرش رابطـه دارد، نشـدند و اهالی محـل گفتند چنین فـردی وجود ندارد. این در حالی بود که مقداری داروی خواب‌آور در خون مقتول پیدا شد. در شرایطی که هیچ کدام از یافته‌هـا در ایـن پرونـده با دیگـری مطابقت نداشـت در نهایت بازپـرس قرار مجرمیت را برای لیلا صادر کرد و در آن علاوه بر گفته‌های الهه به مواد خواب‌آوری که در خون مقتول پیدا شـده بود نیز اشاره کرد. زمانی که پرونده برای محاکمه به شـعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد لیلا دوباره پای میز محاکمه رفت. این زن که یک سـال را در زندان سـپری کرده بود یک بار دیگـر قتل را انکار کرد و گفت هیچ کدام از اتهامات را قبول نـدارد. این زن گفت: شـوهر مـن هم معتاد بـود هم بیمار روحـی. او هر روز دارو مصرف می‌کرد و اگر داروهایش عقب می‌افتاد یا فراموش می‌کرد بدحال می‌شـد. شوهرم چندین بار نیز خودکشـی کرده بود. ضمـن اینکه من با هیچ مردی رابطه نداشتم و دخترم به شدت تحت تاثیر گفته‌های خانواده پدری‌اش است. پس از اظهارات این زن الهه یک بار دیگر در چشمان مادرش نگاه کرد و مدعی شد او قاتل پدرش است.

در نهایت هیات قضات متهم را به قصاص محکوم کردند. ایـن حکم مورد اعتراض زن جوان قرار گرفت و پس از نقض شـدن در دیوان عالی کشـور، پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه بازگردانده شد. وقتی لیلا برای بار دوم پای میز محاکمه رفت باز هم قتل را انکار کرد. این بار قاضی از خانواده مقتول خواسـت اجازه دهنـد الهه تنها در دادگاه حاضر شـود. این اقدام قاضی به خاطر این بود که الهه واقعیت را بگوید و تحت تاثیر خانواده پدری‌اش نباشـد. این بار الهه حاضر نشد قسم بخورد که مادرش قاتل است و پاسخ‌هایی داد که با گفته‌های قبلی‌اش یکسان نبود. بنابراین حکم بر برائت لیلا صادر و این زن بـا قرار وثیقه آزاد شـد. پـس از آن با اعتراض اولیای دم پرونده بار دیگر به دیوان عالی کشـور فرستاده شد و این بار نیز حکم نقض و پرونده از موارد لوث شـناخته شد و دادگاه رسیدگی‌کننده موظف شد مراسم قسامه برگزار کند. زمانی که پرونده دوباره به دادگاه بدوی بازگشـت و وقت رسیدگی تعیین شـد، لیلا به دلایل نامعلوم در دادگاه حاضر نشد و از آنجایـی که قضات بر این بـاور بودند که او قتلی انجام نداده است دوباره برای او به صورت غیابی رای برائت صادر کردند. بـاز هم حکم مورد اعتراض قـرار گرفت و چند روز قبل یک بار دیگر نقض شـد چراکه دیوان عالی کشور برگزاری مراسم قسامه را در این پرونده لازم می‌داند. بنابراین لیلا که با قرار وثیقه آزاد شده است باید یک بار دیگر برای برگزاری جلسه محاکمه در دادگاه حاضر شود.

سرقت‌های برق‌آسا از گیشه بانک‌ها

گـروه حوادث: مرد سـابقه‌داری که با اسـتفاده از غفلت کارمندان سرقت‌های برق‌آسایی انجام می‌داد و از پشت گیشه پول‌های بانک را سـرقت می‌کرد مدتـی پس از ارتکاب اولین سرقت با پای خودش به تله افتاد.

بـه گزارش خبرنگار ما، روز ۱۵ فروردین‌ماه رئیس شـعبه بانکی در تهرانسر با کلانتری این منطقه تماس گرفت و از سرقت از گیشه بانک خبر داد. با حضور ماموران در بانک کارمندی که پول‌ها از محل کار وی دزدیده شده بود به ماموران گفت: حدود سـاعت ۱۴ بعد از انجام کارهایم مبلغ دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان پول را در کشوی گیشه گذاشتم و برای خواندن نماز آنجا را ترک کردم. ۱۰ دقیقه بعد وقتی دوباره به محل کارم برگشتم کشو باز بود و هیچ پولی در داخل آن نبود. وقتی قفل کشو را کنترل کردم فهمیدم قفل شکسته و پول‌ها سرقت شده است.

به دنبال این سرقت به دستور شعبه ۱۵ بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۰ تهران، کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی موظف شدند در این باره تحقیق کنند.

از آنجا که این بانک به سیسـتم دوربین مداربسـته مجهز اسـت تصاویر ضبط‌شـده مورد بازبینی قرار گرفت تا سـارق شناسـایی شـود. تصاویر به دسـت آمده مردی با پیراهن سفید را نشـان می‌داد که به بهانـه پرکردن فیـش بانکی چند دقیقه در نزدیکی گیشه بانک ایستاده بود. او که در این دقایق کارمند بانک را به دقت زیر نظر داشت، محل نگهداری پول‌هـا را شناسـایی کـرد و لحظاتـی بعد وقتـی کارمند بانک از صندلی‌اش دور شـد قفل کشو را شکست و در اقدامی برق‌آسا پول‌ها را سرقت کرد.

مطابقت دادن تصویر این سارق با تصویر مجرمان سابقه‌دار کافی بود تا هویت وی برملا شود. طبق اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی تبهکاران حرفه‌ای سارق مردی ۴۰ ساله به نام محرم تشخیص داده شد. سوابق او نشان می‌داد وی در سال‌های ۷۷، ۷۸، ۸۱ و ۸۴ به اتهام ارتکاب سـرقت، جعل اسناد دولتی و حمـل موادمخدر دسـتگیر و زندانی شده است. کارآگاهان در مرحلـه بعـدی تحقیقات به آخریـن مخفیـگاه محرم در منطقـه قلعه‌حسـن‌خان رفتند اما دریافتند او به خاطر اعتیاد شدید به مصرف شیشه از خانه‌اش رانده شده و اعضای خانـواده‌اش خبـری از محل زندگـی او ندارنـد. از ایـن رو ماموران که احتمـال می‌دادند متهـم تحت تعقیب به بانک‌های دیگری نیز دسـتبرد خواهد زد، تصویر او را در سـایر بانک‌ها توزیع کردند تا از این طریق وی به دام بیفتد.

در جریان تحقیقات مشـخص شد متهم با همین شگرد از بانک دیگری در میدان آزادی نیز سرقت کرده است. با گذشت چنـد ماه از اولین سـرقت روز ۱۹ مردادماه کارمند بانکی که اولین سـرقت از آنجا گزارش شـده بود، حین انجام کارهایش ناگهان با چهره آشـنایی روبه‌رو شد. او به چهره مرد میانسالی که در بانک حضور داشـت، دقت کرد و فهمید او همان سارق پول‌ها اسـت. به این ترتیب در حالی که سـارق با پای خود به بانک رفته بود توسط پلیس دستگیر شد.

با آغاز بازجویی‌ها از محرم وی به سـرقت از گیشه چندین بانـک اعتراف کرد و گفت: پس از رفتـن به بانک‌ها به عنوان مشتری به پر کردن فیش‌های بانکی مشغول می‌شدم و همزمان سـعی می‌کردم محل نگهداری پول و چک پول‌ها را شناسایی کنم. سپس در نزدیکی گیشه می‌نشستم و لحظه‌ای که کارمند بانک از محل کارش فاصله می‌گرفت با سـرقت پول‌ها از بانک خارج می‌شدم.

سرهنگ عباسعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر از متصدیان بانک‌های سراسـر تهران که با این شـیوه از آنها سرقت شده است، خواست برای شناسایی متهم به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

خبر

معتادان باند زورگیری شبانه تشکیل دادند

گروه حوادث: دو جوان معتاد که با استفاده از تاریکی و خلـوت بودن اطراف میـدان آزادی اموال شـهروندان را زورگیری می‌کردند، پس از دستگیری از سوی ده‌ها مالباخته شناسایی شدند. به گزارش خبرنگار ما چندی پیش مردی که در اطراف میدان آزادی طعمه چند سـارق زورگیر قرار گرفته بود در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسـی از ماموران کمک خواست. دقایقی بعد با حضور افسران پلیس در محل شاکی به آنها گفت: در اطراف میدان آزادی در حال استراحت بودم و قرار بود چند ساعت بعد با اتوبوس به شهرستان بروم. در همان لحظات سه نفر نزدیک شدند و ناگهان به من حمله کردند. آنها با تهدید به قتل، مرا به پله‌های زیر میدان آزادی کشـاندند و در آنجا گوشی تلفن همراه و پول‌هایم را به زور گرفتنـد و بعد فرار کردند. با ثبت این شـکایت تلاش‌های ماموران برای دسـتگیری سـارقان آغاز شد اما این آخرین شـکایت نبود. چند شـب بعد شـاکی دیگری که پول‌های او نیز با همین شـگرد در اطراف میدان آزادی سرقت شده بود نزد ماموران رفت و گفت: ساعت ۲۲ در ابتدای خیابان جناح سه نفر به طرف من آمدند و بعد از احوالپرسی، سیگار خواسـتند اما در همان لحظه هر سه نفر من را مورد ضرب و شتم قرار دادند و گوشی تلفن همراه و پول‌هایم را سرقت کردند. پس از این شکایت در روزهای بعد چند نفر دیگر نیز به جمع مالباختگان اطراف میدان آزادی پیوستند. از این‌رو با افزایش شـاکیان به دستور سلیمانی‌فر دادیار شعبه ششم دادسـرای ناحیه ۲۷، پرونده برای انجام تحقیقات تخصصی به کارآگاهان مبارزه با زورگیری پایگاه پنجم پلیس آگاهی ارجاع شد. در جریان بررسی‌های ماموران دو نفر به اسامی «محسـن» و «مصطفی» در اطراف میدان آزادی به عنوان مظنون دستگیر شدند. همزمان با آغاز بازجویی‌ها از این دو نفر چند نفر از مالباختگان نیز به پایگاه پنجم دعوت شدند و ۱۰ نفـر از آنان دو متهم را به عنوان سـارقان اموالشـان شناسـایی کردند. اظهارات شـاکیان حاکـی از آن بود که آنان عضو یک باند شـش نفره هسـتند که هر بار به صورت دو یا سه نفره با پرسه زدن در اطراف میدان آزادی و پایانه مسـافربری، ساک و وسایل مسافران یا افراد معتاد را که در اطراف میدان در حال تردد یا استراحت بودند با کتک‌کاری و تهدید با چاقو، زورگیری می‌کردند. این بررسـی‌ها نشان می‌داد یکی دیگر از شـیوه‌های این گروه سرقت از معتادان است. آنها با جلب نظر معتادان به بهانه استعمال مواد اموال آنها را سرقت می‌کردند. دستگیرشدگان که هر دو به کراک اعتیاد دارند دارای سـوابق متعددی هستند و بارها دستگیر و زندانی شـده‌اند. سرکرده باند در اعترافاتش گفت چندین فقره سابقه سرقت موتورسیکلت، حمل مواد مخدر، سرقت و تکدی‌گـری دارد. همچنین همدسـت او نیز شـش فقره سـابقه جیب‌بری، فروش مواد مخدر و سـرقت دارد و دیگر سوابق احتمالی‌شان در دست بررسی است. سرهنگ کارآگاه علی‌اکبر اسـدی رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران با اعلام اینکه به احتمال زیاد تعداد زیادی از مالباختگان این پرونده افراد معتاد هستند اما به خاطر اعتیادشان به پلیس مراجعه نکرده‌اند، گفت: از شـهروندانی که با این شـگرد از آنها سـرقت شده، دعوت می‌شـود برای شناسایی دو متهم دستگیرشـده و پیگیری پرونده‌شان به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.